



رسانه رهبر انقلاب
@Rahbarengelab

امروز کسانی ما را ابرقدرت چهارم دنیا می دانند. البته آنان بر اساس محاسبات دنیایی چنین می گویند؛ ولی محاسبات الهی، کشوری که خود را متعلق به عترت طاهره صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین می داند و عمده مردمانش دلبسته آن والا مقامانند و برای اقامه حق هراسی ندارند را قدرت اول جهان می داند. ۱۴۰۵/۷/۶

روزنامه ————— ای ————— نترقی
KHAMENEI.IR
س ————— ه ————— ۷ مه ————— ۱۴۰۵



ویژه دفاع مقدس
مردم ایران
در برابر آمریکا و رژیم صهیونی

این شماره تقدیم میشود به

سرهنگ شهید
محمود هاشمی

از اعضای سپاه پاسداران انقلاب
اسلامی که در حمله موشکی
آمریکایی-صهیونی به قم در جنگ
تحمیلی سوم به شهادت رسید.



خوانشی بر جایگاه قدرت ایران در نظم کنونی جهان

قدرتی فراتر از محاسبات جهان



سرمقاله

تحولات منطقه را بدون در نظر گرفتن ظرفیت های ایران طراحی کند. از این منظر، تعبیر «ابر قدرت چهارم» را باید فراتر از یک عنوان رسانه ای دید. معنای آن این است که ایران به سطحی از قدرت رسیده که دیگر نمی توان آن را صرفاً یک بازیگر منطقه ای دانست. روایت جهان امروز بر اساس محاسبات مادی، ایران را در چهارمین مرکز قدرت جهانی می بیند؛ محاسباتی که قدرت را با اقتصاد، توان نظامی، فناوری، منابع و میزان اثرگذاری بر معادلات بین المللی می سنجد. اما در «محاسبات الهی»، معیار قدرت اساساً متفاوت است. در این نگاه، کشوری که خود را متعلق به عترت طاهره صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین می داند و از مردمش دلبسته اهل بیت ﷺ هستند، قدرت را فقط در انباشت تجهیزات و ثروت جست وجو نمی کند؛ بلکه ایمان، ایستادگی، ترسیدن از هزینه و آمادگی برای دفاع از حق، بخش واقعی و روح قدرت است. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «وَلَا تَهْوَواْ وَلَا تَخْزَوْاْ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ»؛ [و در انجام فرمان های حق و در جهاد با دشمن] سستی نکنید و [از پیش آمده ها و حوادث و سختی هایی که به شما می رسد] اندوهگین مشوید که شما اگر مؤمن باشید، برترید. اینجا برتری، پیش از آنکه یک رتبه مادی باشد، نتیجه یک وضعیت درونی است؛ اینکه یک ملت در برابر تهدید و فشار مستکبران، اراده خود را از دست ندهد. از همین منظر، «قدرت اول» به معنای برخورداری از اراده ای است که برای دفاع از باور و حق، از ایستادن هراس نداشته باشد. بنابراین، اگرچه در محاسبات مادی ایران به عنوان «چهارمین مرکز قدرت جهانی» دیده می شود، اما در محاسبات الهی، ایران قدرت اول جهان است؛ چرا که اساساً معیار برتری چیز دیگری است: ملتی که ایمان، استقلال، اراده و آمادگی برای ایستادگی در راه حق را در کنار توان مادی خود جمع کرده باشد، از قدرتی برخوردار است که صرفاً با شاخص های متعارف قابل سنجش نیست.

مهاجم توانسته است اهداف اولیه خود را تحمیل کند یا نه. از این منظر، جنگ اخیر برای آمریکا یک شکست راهبردی بود؛ زیرا واشنگتن نتوانست ایران را تضعیف و اهداف اصلی خود را بر تهران تحمیل کند. در مقابل، ایران نشان داد قدرتی که طی دهه ها ساخته، در یک آزمون واقعی بسیار کارآمد است. تأیید این تغییر فقط از داخل ایران مطرح نشد. رابرت پیپ، استاد علوم سیاسی دانشگاه شیکاگو، در مقاله ای در نیویورک تایمز نوشت: «چهارمین مرکز قدرت جهانی به سرعت در حال ظهور است: ایران.» او چند روز بعد نیز همین تحلیل را تکرار کرد و ایران را در کنار آمریکا، چین و روسیه به عنوان یکی از مراکز قدرت در حال شکل گیری معرفی کرد. اهمیت تحلیل پیپ در این است که قدرت ایران را فقط در شمار تجهیزات نظامی خلاصه نمی کند؛ بلکه به موقعیت جغرافیایی ایران، تنگه هرمز و توان تهران برای تغییر محاسبات قدرت های بزرگ توجه دارد. رسانه هندی ایندیا تودی نیز با طرح این پرسش که آیا ایران در حال تبدیل شدن به «چهارمین ابر قدرت جهان» است، همین تحول را بررسی کرد. روزنامه پاکستان تودی نیز در گزارشی با عنوان «چگونه ایران به چهارمین مرکز قدرت جهانی تبدیل شد» به توان ایران در تحمل فشار، حفظ ساختار سیاسی و نظامی و استفاده از موقعیت جغرافیایی خود پرداخت. این اظهار نظر ها علت قدرت ایران نیستند؛ نشانه دیده شدن قدرت ایران در بیرون از مرزهای کشورند. بنابراین، قدرت فقط داشتن بزرگ ترین ارتش یا بزرگ ترین اقتصاد جهان نیست؛ قدرت یعنی توانایی تغییر محاسبات دیگران. کشوری قدرتمند است که قدرت های بزرگ، پیش از اتخاذ تصمیم های مهم، ناچار باشند واکنش آن را بارها محاسبه کنند. ایران امروز در چنین جایگاهی قرار گرفته است. هیچ معماری امنیتی جدیدی در غرب آسیا بدون ایران شکل نمی گیرد. هیچ تصمیم مهمی درباره تنگه هرمز بدون محاسبه تهران معنا ندارد و هیچ قدرت بزرگی نمی تواند

سال های انقلاب با جنگ تحمیلی به بزرگ ترین آزمون خود رسید. ایران در برابر یک جنگ گسترده ایستاد و تجربه هشت سال دفاع مقدس، مسیر ایجاد توان دفاعی مستقل را برای همیشه تغییر داد. پس از جنگ، این مسیر متوقف نشد؛ بلکه وارد مرحله تازه ای شد. توسعه صنایع دفاعی، توان موشکی، پهپادی، دریایی و پدافندی، سپس فناوری فضایی و جنگ الکترونیک، به تدریج مجموعه ای از توانمندی های راهبردی را در ایران شکل داد. هم زمان، دانشگاه ها و مراکز علمی نیز توسعه یافتند و ایران در حوزه هایی مانند فناوری هسته ای، نانو، زیست فناوری، پزشکی، صنایع فضایی و فناوری های نوین به ظرفیت هایی دست یافت که امروز بخشی از قدرت ملی ایران را تشکیل می دهند. در کنار این ها، ایران در محیط منطقه ای خود نیز قدرت ساخت. گسترش روابط راهبردی، افزایش عمق منطقه ای و ایجاد توان اثرگذاری بر تحولات غرب آسیا باعث شد جایگاه ایران دیگر صرفاً به مرزهای جغرافیایی آن محدود نباشد. بنابراین، قدرت امروز ایران محصول یک عامل نیست، حاصل انباشته شدن مؤلفه های متعدد قدرت طی چند دهه است. اما سال ۲۰۲۶ یک تفاوت اساسی داشت: برای نخستین بار این قدرت در یک رویارویی مستقیم و گسترده با آمریکا و اسرائیل آزموده شد. واشنگتن و تل آویو با این تصور وارد میدان شدند که برتری نظامی می تواند در مدت کوتاهی ایران را وادار به پذیرش اراده آن ها کند. اما این اتفاق رخ نداد. ایران نه تنها ضربه را تحمل کرد، پاسخ محکم داد، ساختار خود را حفظ و تقویت کرد و اجازه نداد آمریکا به اهداف متوهمانه خود دست یابد. حتی به اذعان مراکز فکری غربی، آمریکا بازنده بزرگ این جنگ بوده و طراحان آن در بن بست این شکست گرفتار شده اند. این نقطه، مهم ترین بخش ماجراست. در سیاست بین الملل، پیروزی فقط به معنای وارد کردن خسارت نیست؛ معیار اصلی این است که آیا کشور

حضرت آیت الله العظمی سید مجتبی حسینی خامنه ای، رهبر معظم انقلاب، در پیامی به مناسبت هفته دفاع مقدس و سالگرد شهادت شهید سید حسن نصر الله تأکید کردند: «آن روزهایی که آنان دوست دارند کشور ما را به آن برگردانند، روزهایی بود پر از عقب ماندگی، ذلت و خواری، وابستگی، و بدنامی ایران در جهان اسلام؛ و این روزهایی که در آن هستیم پُر است از پیشرفت، عزّت، استقلال، و قدرِ اُعلای اعتبار در جهان اسلام و بلکه کلّ جهان. امروز کسانی ما را ابرقدرت چهارم دنیا می دانند. البته آنان بر اساس محاسبات دنیایی چنین می گویند؛ ولی محاسبات الهی، کشوری که خود را متعلق به عترت طاهره صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین می داند و عمده مردمانش دلبسته آن والا مقامانند و برای اقامه حق هراسی ندارند را قدرت اول جهان می داند.» این توصیف رهبر معظم انقلاب از شرایط کنونی ایران در عرصه منطقه ای و جهانی، مسئله ای است که حق متفکران غربی و رسانه ای مختلف جهان نیز به آن اعتراف کرده اند. بسیاری شکست آمریکا و رژیم صهیونیستی در تجاوز اسفندماه به ایران در سال گذشته را نماد این قدرت می دانند. اما قدرت ایران در سال ۲۰۲۶ متولد نشده است. آنچه امروز جهان از آن به عنوان ظهور ایران به عنوان یک ابر قدرت سخن می گوید، حاصل مسیری نزدیک به پنج دهه ای است که از پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شد و در عرصه های مختلف سیاسی، دفاعی، علمی، فناوری و منطقه ای به تدریج شکل گرفت. جنگ اخیر آمریکا و اسرائیل با ایران، آغاز این مسیر نبود؛ لحظه ای بود که قدرت انباشته شده ایران در برابر چشم جهان به نمایش درآمد و خود را اثبات کرد. انقلاب اسلامی نخستین پایه این قدرت را بنا کرد؛ استقلال سیاسی. ایران پس از انقلاب تصمیم گرفت سیاست خارجی و امنیت خود را بر اساس اراده مستقل خود تنظیم کند. همین استقلال، در نخستین

#اعتراف اکونومیست

هژمونی آمریکا در خاورمیانه به پایان رسیده است

مجله اقتصادی اکونومیست در تازه ترین سرمقاله خود نوشت: آمریکا چندین دهه بر خاورمیانه هژمونی داشته است؛ این دوران در آستانه پایان است. به نظر می رسد آمریکا در خاورمیانه گرفتار شده است و راه آسانی برای خروج از جنگ با ایران ندارد.

با این حال، این درگیری با هر نتیجه ای که پایان یابد، در واقع لحظه وقوع تحولی کاملاً متفاوت را رقم خواهد زد: زمانی که آمریکا از منطقه عقب می نشیند، به این معنا که سرانجام از هژمونی خود بر آن دست می کشد. برای نخستین بار از زمانی که قدرت های بزرگ یک قرن پیش امپراتوری عثمانی را قطعه قطعه کردند، نظم فراگیر خاورمیانه دیگر از بیرون بر آن تحمیل نخواهد شد. نشانه های عقب نشینی قریب الوقوع آمریکا انکار ناپذیرند؛ حتی در شرایطی که دونالد ترامپ در نشست سالانه سازمان ملل برای چندمین بار ایران را به (نابودی کامل) تهدید می کند. دو نشانه بیش از همه برجسته اند.

اوایل ماه جاری، آمریکا از پیوستن به متحد خود عربستان سعودی برای حمله به حوثی های یمن خودداری کرد؛ گروهی که کشتی رانی در دریای سرخ را به خطر انداخته است. آمریکا در عوض، پشت سر سعودی ها با حوثی ها مذاکره کرد تا کشتی های آمریکایی از حمله در امان بمانند. شاید این موضوع جزئی به نظر برسد، اما وقتی یک ابر قدرت با شبه نظامیان معامله می کند، همه درمی یابند که قصد دارد تعهدات خود را کاهش دهد.

قاب

شهید ولی الله فلاحی در کنار رهبر شهید انقلاب اسلامی

رهبر شهید انقلاب درباره شهدای ارتش در دفاع مقدس هشت ساله فرمودند: «افرادی مثل شهید نامجو، شهید صیّاد، شهید بابایی، شهید ستّاری، شهید کلاه دوز، شهید فلاّحی و افراد دیگر - شهدای بزرگی که بعضی شان از نام آوران شهدای جمهوری اسلامی در طول زمان محسوب میشوند - از دل ارتش بیرون آمدند، در مقابل چشمها قرار گرفتند و نقش قهرمان را ایفا کردند.»

۱۴۰۳/۱۱/۱۹

انتشار به مناسبت سالروز شهادت شهید فلاحی در ۷ مهر ۱۳۶۰



آمریکاشناسی

ده تا ابر قدرت مثل آمریکا هم نخواهند توانست مویی از سر این انقلاب کم کنند اگر...

تمام کارهایی که امروز آمریکا و صهیونیسم و مزدوران آمریکا و ابادی آمریکا و شبکه ای تبلیغاتی و شبکه ای نظامی و امنیتی و یقه تی کسان میکنند، در جهت یکی از این دوره است؛ یا ضربه بزینم که جمهوری اسلامی از بین برود، یا فشار بیاوریم که مسئولین جمهوری اسلامی بیایند بگویند ما با شما اشتی [هستیم]... ملت ایران، ای کسانی که در زمان حاضر بزرگ ترین حماسه ای تاریخ معاصر را شما به وجود آوردید! با ندانید هر دوی این آرزوهای آمریکا در یک صورت نشدنی است، در یک صورت [هم] کاملاً شدنی است. در چه صورتی نشدنی است؟ در صورتی که آحاد مردم، توده های مردم، قشر های مردم همچنان که در این هفده سال در صحنه حضور داشتند، انقلاب را مال خودشان دانستند، مسئولین را از خودشان دانستند، نسبت به مسائل کشور و انقلاب حساس بودند، از حالا به بعد هم در صحنه حضور داشته باشند، انقلاب را مال خودشان بدانند. که هست مسئولین را از خودشان بدانند که هستند نسبت به مسائل انقلاب کار داشته باشند، بی تفاوت نباشند، احساس مالکیت نسبت به کشور خودشان و انقلاب خودشان بکنند. اگر این باشد، که تا امروز بحمد الله بوده است، نه [فقط] آمریکا، اگر ده ابر قدرت مثل آمریکا هم در دنیا باشند، نخواهند توانست مویی از سر این انقلاب کم کنند. تا امروز هم که دشمن نتوانسته است هیچ غلطی بکند، به خاطر این بوده است.

۱۳۷۴/۱۱/۲۰

نکاتی برگرفته از مباحثی نظری و تجربی رهبر شهید انقلاب درباره آمریکا